

پیش نوشتار

نوروز در پیش است و به نمایندگی از همه دوستان در ایران زمین و مرکز پژوهش و گسترش فرهنگ و آیین باستانی ایران سال نو را به شما شادباش میگوییم.

میترائیسم آئین پرتوان زمان باستان، جستار برگزیده این شماره ایران زمین میباشد. گفته شده است که میترائیسم در باختر ایران زندگی دوباره یافت و سپس بوسیله سربازان رومی به روم برده شد و در آنجا دگرگون گشته و آئین مذهبی قدرتمندی گشت، آنگونه که پیامبران خدا هم نتوانستند از رخنه آن برکنار باشند و جنبه هایی از این آئین امروز نیز با ماست.

هنگامی که اسکندر به ایران یورش برد آیین زرتشت در ایران پابرجا بود و اسکندر ساختار آن را درهم ریخت. اینکه پیش از گرفتن بابل اسکندر به بازسازی پرستشگاههای کهن بابلی که خالی مانده و ویران شده بودند پرداخت، نمایانگر چند نکته است:

- ۱- که مردم دیگر از پرستشگاههای کهن استفاده نمیکردند.
- ۲- در طی ۲۲۰ سال فرمانروایی هخامنشیان هیچ پرستشگاه نوینی

ایران زمین

جای پرستشگاههای کهنه را نگرفته بود.

۳_ یونانیان دوباره سازی پرستشگاهها و خدایان کهن را پیروزی بر پارسیان می انگاشتند.

۴_ هدف یونانیان گسترش دین خود نبود بلکه میخواستند زرتشتیگری را از میان بردارند. از اینرو خدایان رومی را جایگزین نکردند چونکه میدانستند این خدایان بیگانه از سوی مردم پذیرفته نخواهند شد. به جای آن آئین کهن مردم را گسترش دادند زیرا مردم آسانتر آنرا میپذیرفتند و اسکندر به هدف خود که از میان برداشتن زرتشتیگری بود میرسید. همان آئینی که ارستو استاد اسکندر در موردش گفته بود: اگر آنرا نابود کنی یکی از ستونهای بلندمرتبگی در جهان را نابود کرده ای. اینکه میترائیسم در بخشهای باختری ایران که نزدیکتر به روم بودند دوباره سازی شد گواه این گمان است. میترا یا مهر از خدایان کهن آریائیها بود و زندگی دوباره بخشیدن به او کاری به نسیبه ساده ای بود. باور مردم بر این بود که میترا فرزند آناهیتای باکره (خداوند آب) و نگاهدار آدمی شماره شده میشد.

این فرمانروایان بودند که به اندیشه های مذهبی شکل دادند، پیامبران فقط کیشها را بنیاد نهادند و بدون کمک فرمانروایان نمی توانستند آنها را گسترش دهند. مذهب اکنون نیز برای کاربردهای سیاسی بکار گرفته میشوند و بدون شک این ابزاری درخور در کف

ایران زمین

ابرقدرتهای جهان کهن نیز بود.

فرمانروایان رومی به سربازان خود دستور دادند که از گسترش آئین میتراپی در میان ایرانیان پشتیبانی کنند. از اینرو سربازان رومی با میترا، خدای تازه، آشنا شدند و آموختند که به آن احترام بگذارند. بزودی بسیاری از سربازان رومی خود هواداران سرسخت میترائیسم شدند و نقش بزرگی در گسترش این آئین از باختر ایران تا اروپا بازی کردند. در اروپا میترائیسم را آئین سربازان و بازرگانان میدانستند زیرا ایشان نخستین گروه پیروان این کیش بودند.

در همین زمان مسیحیت نیز پدیدار شد اما تهدیدی بر میترائیسم شماره نداشت، چون در میان فرمانروایان پشتیبانی نیافت. میترائیسم همچنان رقیب اصلی مسیحیت در اروپا و زرتشتیگری در ایران میبود. این وضعیت تا ۲۲۴ سال پس از زایش مسیح که ساسانیان فرمانروایان میترائیست باختر ایران را سرنگون کرده و زرتشتیگری را آئین رسمی دولتی نمودند، ادامه داشت.

به همین شکل کنستانتین امپراتور روم نیز ۳۱۲ سال پس از زایش مسیح، مسیحیت را آئین رسمی دولت روم قرار داد و به این ترتیب میترائیسم رو به نابودی رفت. با سرکوبی منظم دو ابرقدرت زمان، میترائیسم ریشه کن شد به گونه ای که امروزه آگاهی اندکی از آن

ایران زمین

در دست است. در حقیقت تاریخ پادشاهی اشکانیان نیز به‌همراه میترائیسم از میان برداشته شد و ما از ایشان بسیار کم میدانیم. در طی ۳۰۰ سال آخر رواج میترائیسم این کیش بر قلب و اندیشه پیروانش چیره و آئینهای میتراپی جزو زندگی روزمره ایشان بود. برای ریشه کن کردن میترائیسم مسیحیت و زرتشتیگری چاره‌ای نداشتند بجز اینکه بخشهای زیادی از آئینهای آنرا بپذیرند.

امروزه در میان مردمان آن سرزمینها رسمهای کهن که ریشه در میترائیسم دارند بچشم میخورند. برای نمونه ایرانیان هنوز شب یلدا، بلندترین شب سال را جشن میگیرند. اما یلدا به معنی زایش است و اشاره به زایش خورشید دارد. بلندترین شب سال با تقویم کنونی ۲۱ دسامبر است و پس از آن هر روز خورشید بیشتر در آسمان میماند. شب قبل از آغاز این پدیده، مردم گرد هم آمده و تا بامداد جشن می‌گرفتند و پگاه را چشم به راه زایش میترا از آناهیتای باکره میماندند. در مسیحیت زایش عیسی مسیح از مادر باکره اش که در روز ۲۵ دسامبر جشن گرفته میشود، جایگزین زایش میترا گشته است.

در میان زرتشتیان، مهر یک ایزد شناخته شد و یک روز و یک ماه را مهر نامیده‌اند. پرستشگاههای زرتشتی «درمهر» نامیده و در آنها آتش نگاهداری شد. گواه دیگر این گمان نقش گرفتن آتش و مهرابه

ایران زمین

بجای پیکره ی ملکه بر یک روی سکه های اشکانی در سده نخستین مسیحی میباشد که همزمان با قدرتگیری میترائیسم بود، نشانه ای از اهمیت آتش و بستگیش به مهر است.

«فادر کریسمس»، بابا نوئل، یا سنتا که از دل سرما درشکه اش را گوزنها با شاخهای زیبا بر آسمان میکشند و گرما و شادمانی را از دودکش بخاری به درون میاورد، همان نشانه زایش خورشید است. در حقیقت پدر بالاترین رده در سلسله مراتب میترائیسم هم میباشد.

به همین شکل دست دادن در هنگام پیمان بستن، از آئینهای میترایمی میباشد که خدای دادو ستد نیز بود. هندوآریائیها به هنگام آشنایی کف دو دست خود را به هم میچسبانند و ایرانیان کهن کف دست را بسوی پیشانی می بردند. این رسم در کنده کاریهای تخت جمشید نمایان هستند.

آموزشهای زرتشت در هفت امشاسپندان ساده شده تا جایگزین هفت مرحله میترائیسم باشند. هفت روز هفته در تقویم گریگوری هم به بازمانده آئینهای میترایمی نسبت داده شده است. اینها تنها چند نمونه است که در این نوشته کوتاه میتوان به آنها اشاره کرد. از شما دوستان دعوت میشود که در سایر نوشته های این شماره دیدگاههای دوستان پژوهشگر را در مورد میترائیسم بخوانید.

ایران زمین

اگر بخاطر ساسانیان در ایران و کنستانتین در روم نبود، دنیای امروز دنیای میتراایی میبود. امروزه دنیا بدون آگاهی از ریشه ها به بسیاری از آئینها و روشهای میتراایی باور دارد.

میترائیسم پدیده ای جالب و با اهمیت است. ایران زمین در آینده بیشتر در مورد این کیش خواهد نوشت چرا که ما در پی راستی هستیم. از پژوهشگران خواهشمندیم نوشته های خود را در این زمینه برای ما بفرستند.

در شماره آینده در مورد فروهر گفتگو خواهیم کرد که نشانه ایران باستان است و تاریخ نگاران باختر به اشتباه آنرا نشانه اهورامزدا دانسته اند. چنانچه در این زمینه یا سایر زمینه های مورد علاقه خود نوشتاری دارید، آنرا برای ما بفرستید. ایران زمین دریچه ای است بسوی جهان که پژوهشهای شما را بدست جهانیان میرساند.

خرداد باد

فریبرز رهنمون